

## پرتوامر و نهی آیات قرآنی و احادیث نبوی

### در دیوان حکیم سنایی غزنوی

دکتر ماه نظری<sup>۱</sup>



#### چکیده

اشعار سنایی، پر از نکات ظریف و اشارات لطیف اخلاقی، فلسفی، دینی، کلامی، عرفانی، اجتماعی و اوامر و منکرات است. در تمام این موارد به عظمت روح انسانی که هدف کل آفرینش است اشارات مکرر دارد و هم چون دگر مصلح‌الجان جهان، به پیروی از سنت راستین احمد مرسل، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند تا آن نفس ناطقه‌ی؛ محبوس و مهجور شده را، با کمند ریاضت و از طریق امر و نهی، چنان بپرورانند که تحت بندگی هیچ چیز و هیچ کس قرار نگیرد. به همین دلیل، شعر را جولانگاه این اندشه‌ها می‌داند. سنایی با رستاخیز کلام، انسان در خود گم گشته را، ارشاد می‌کند و به گونه‌ای دلنشین و جذاب، شوق او را بر می‌انگیزد تا دستور العمل‌هایی را که در آیات آسمانی قرآن و احادیث، برای رستگاری و نیل به کمال‌الجویی اوست چون موم و شهد در هم آمیزد و همچون نیستر، عقده‌های درونیش را بشکافد و مرهم نهد. در این مقاله امر به معروف و نهی از منکر را با ذکر آیاتی و احادیشی چند و با تطبیق اشعاری از حکیم سنایی، ذکر نموده‌ایم و میزان تأثیرپذیری سنایی را از آیات قرآن کریم در جدولی با ذکر درصد بهره‌گیری وی نشان داده‌ایم.

واژه‌های کلیدی: قرآن و حدیث، امر به معروف، نهی از منکر، عرفان، سنایی.

## مقدمه

امر به معروف و نهی از منکر، از فروع دین مقدس اسلام و از اصول عملی؛ و فریضه‌ی بزرگی است که در پرتو آن سایر واجبات اجرا و انجام می‌شود هم چنین راه پیامبران، شیوه‌ی صالحان، راه امن زیستن و کسب تجارت حلال، محو آثار ظلم و ستم است، که در این باب آیات و روایات گوناگون مستعمل بر تحذیر و هشدار عذاب برای ترک کنندگان و بیان عواقب شوم ترک این فرمان الهی بیان شده است که: «كُنْتُمْ خَيْرَ أَمَّةٍ أُخْرَجْتَ لِلنَّاسِ ثَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتَؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْءَامَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثُرُهُمُ الْفَاسِقُونَ». (آل عمران / ۱۱۰) این آیه خطاب به مؤمنین است پس منظور از ناس عموم بشر است که کلیت و گسترده‌ی این شرافت بر امت اسلام از این جهت است که بعضی از افرادش متصف به حقیقت ایمان و قائم به حق امر به معروف و نهی از منکر هستند. (کاشانی، ۱۳۳۳، ج ۲، ص: ۳۰۵) جز به دستوری قال الله يا قال الرسول ره مرو فرمان مده حاجت مگو حجت میار (سنایی، ۱۳۶۲، ص: ۱۹۱)

رسالت پیامبران در جوامع انسانی و تمامی دستورهای الهی صرفاً برای رساندن انسان به کمال معرفت و قرب حق است، تا او را از جهل و ظلمت نفس امّاره رهایی بخشند در تعالیم عرفانی هم مقصد عالی و هدف‌های بلند انسانی برای سالک مورد نظر است که حصول به این مقصود بدون ترک هوی و هوس میسر نمی‌شود اولین گام در سیر الى الله «تخلیه» از منهیات و صفات ناسوتی، به سوی «تخلیه» به معروفات و صفات لاهوتی است که مقصود از جملگی آفرینش، وجود انسان بود زیرا سایر هستی به تبعیت وجود اولخلق شده و منظور از وجود انسان معرفت به ذات و صفات حضرت خداوندیست، زیرا بی واسطه گل آدم به یداللهی، سرشته و نفخه‌ی حق در او دمیده شد. (آیه ص: ۷۱-۷۲) آدم عالم به اسماء گشت و مسجد فرشتگان قرار

گرفت و خلیفه‌الله گردید. به همین منظور طالب حق، گامی برتر می‌نهد و افق نظرش گسترش می‌یابد و خوشی‌های فریبنده‌ی زود گذر دنیایی در نظرش حقیر و مختصر جلوه می‌کند و از مشاهدات غیبی و ادراکات قلبی، جان و حیاتی تازه می‌یابد و به لذتی پایدار می‌رسد که با رنج روح و ضعف تن و انحطاط همت همراه نیست و تمام شادکامی‌ها و شادخواری‌های جهان مادی در برابر خشنودی حق تعالی را، به برگ کاهی نمی‌انگارد. تمام این مفاهیم عالی و مقاصد والا که تحت تأثیر کتاب وحی و احادیث قدسی و روایت معصومین می‌باشد، در آثار و اقوال بزرگانی چون حکیم سنایی غزنی، مولانا، ابن عربی، شیخ نجم الدین رازی و ... زینت بخش زبان و ادبیات فارسی است. که به حکم رسالت دینی که دارند زبان به ذکر فضایل و فواید این دو فرضیه‌ی مهم گشوده‌اند. شعر یکی از ابزار بیان دیدگاه‌ها و نظریات حکیم سنایی بوده و به نحو خاصی نقش خود را در قبال دین، اصول و فروع آن ایفا کرده است و در این زمینه اشعاری سروده و با مدد صور خیال، جامعه‌ی انسانی را بدان ترغیب کرده است.

سنایی با مدد شعر، چون ناقوسی است که آهنگ آفرینش را طنین انداز جان و دل مشتاقان می‌سازد تا با مقراض لا، ترک الا الله کنند و جز خدا نبینند و جز کلام حق نشنوند و جز رضای او نجویند تا لایق ارجاعی الى ربک گردند والا، مفری در آخرت نمی‌یابند چنان که حکیم سنایی با تلمیح به «سوره القيامة/ ۱۰» می‌فرماید:

لا جرم کار قدم هاشان و دم هاشان کنون      شاهراه دوزخست و نعره‌ی این المفر  
(سنایی، ۱۳۶۲، ص ۲۶۳)

امر: «به معنای فرمان و دستور می‌باشد.» (قریشی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص: ۱۰۹) نهی: به معنی باز داشتن و منع کردن از چیزی است. در قاموس ذکر شده است که: زَجَرَ وَمَنَعَ «نهاءُ عنهُ: زَجَرٌ عنهُ وَمَنَعٌ عنهُ.» (المصری، لسان العرب، ۱۴۰۸، ج ۱، ص: ۲۰۳)

معروف و منکر: گرچه معروف از عرف به معنی شناخته شده و منکر به معنی ناشناخته است ولی در معنی آن حسن و قبح نخواهد بود، ولی در اصطلاح معروف به چیزی گفته می‌شود که حسنه از نظر شرع و عقل محرز شناخته شده است و منکر نیز چیزی است که قبحش از نظر شرع و یا عقل معلوم و روشن است.

(قربانی لاهیجی، ۱۳۷۹، ص: ۳۶-۳۴) در مجمع البیان آمده است که: «معروف حق و منکر باطل است. زیرا حق، صحبت شناخته شده و باطل ممکن است که صحبت شناخته شود». (طبرسی، ۱۳۵۴، ج ۱۱، ص ۲۲) راغب الاصفهانی می‌گوید: «المعروف إِسْمٌ لِكُلِّ فَعْلٍ يُعرَفُ بِالْعُقْلِ وَالشَّرِيعَةِ حُسْنَهُ وَالْمُنْكَرُ مَا يُنْكَرُ بِهِمَا». (الراغب الاصفهانی، ۱۳۶۲، ص: ۳۳۱) شیخ طوسی امر به معروف را به دو قسم واجب و مستحب تقسیم کرده است و نهی از منکر را کلاً واجب می‌داند زیرا هر چیز منکری قبیح است. (الطوسي، ۱۴۰۴، ص ۲۴۵)

تا زیاطل بنگذری حق نیست      که ازین نیمه حق مطلق نیست  
(سنایی، ۱۳۸۳، ص ۸۹)

### امر به معروف و نهی از منکر دو مرحله دارد:

- مرحله فردی: که هر کس موظف است به تنها یی ناظر اعمال دیگران باشد.  
- مرحله جمیعی: که امتی موظفند برای پایان دادن به نابسامانی‌های اجتماع دست به دست هم دهنند و با یکدیگر تشریک مساعی کنند و شعاع قدرت آن وسیع و طبعاً از شئون حکومت اسلامی محسوب می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۶، صص: ۳۶-۳۵)  
در قرآن و روایات، مصادق‌های امر به معروف، ذکر شده است، مانند: ایمان، تلاوت قرآن، تفکر، توکل بر خدا، صبر، پرهیزکاری، پیروی از خدا و پیامبر، اتفاق، فرو بردن خشم، عفو و بخشش، احسان، توبه، جهاد و شهادت در راه خدا، عدالت، خوش اخلاقی، مشورت، آموزش قرآن و دانش، ذکر خدا، نماز، روزه، حج، بیان حق، امانتداری، تولی

و تبری، وفای به عهد، عفت، شجاعت، سخاوت، یاری دین، خشنودی به رضای خدا، صله رحم، نیکی به پدر و مادر، تدبیر در قرآن، اخلاص، یاد مرگ و معاد وغیره.

مصدقه‌های منکر نیز بسیار است مانند: کفر، قتل نفس، گناه، ظلم و ستم، عهد شکنی، جهل و ندانی، ضعف اراده، کتمان حق، بدعت گذاری، حسد و تکبر، حرص، تبهکاری، تهمت و بهتان، دروغگویی، خیانت، غیبت، بی‌احترامی به پدر و مادر، بی‌توجهی به قرآن و... در اجرای امر به معروف و نهی از منکر، به شیوه عملی باید از طریق تبلیغ و با رعایت احترام به شخصیت افراد و با ارشاد تدریجی توأم با ملایمت و اغراء و تشویق و معرفی ارزش‌ها، تکرار و تلقین، با تمسک به هنر، شعر، طنز، حکمت، موعظه، جدال نیکو، ایجاد امیدواری، تحریک عاطفه، معرفی الگوهای اسوه و ایجاد فضای امر و نهی می‌توان به این دو فریضه‌ی مهم دست یافت تا این جریان پایدار بماند و نتایج ارزشمند آن باعث حفظ اسلام و احکام دین، تقویت اهل ایمان در جامعه، عزت مؤمنان، آبادانی جهان، ایجاد امنیت، تضعیف کفار، خیر و نیکی و مشارکت در امر خیرخواهانه شود و مایه‌ی رستگاری در دنیا و آخرت گردد. به همین دلایل شاعران متعهد، درمورد فضیلت امر به معروف و نهی از منکر رسالت خویش را ایفا نموده‌اند و سعی دارند که ما را به اهمیت این فرایض آگاه سازند. در وجوب این دو اصل و همترازی وجوب آن با نماز، خداوند در قرآن کریم می‌فرمایند: «يَا بُنَيَّ أَقْمِ الصَّلَاةَ وَأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزِيزٍ الْأُمُور». (لقمان/ ۱۷) زیرا نماز، خود، عامل انجام اعمال نیک و بر حذر دارنده از منکرات است. چنان که پیامبر اسلام (ص)، همیشه اهل بیت خویش راه به ادای نماز و زکات امر می‌کرد ... (سوره مریم/ ۵۵) و از همان آغاز رسالت خویش به اصلاح جامعه پرداختند. بعد از دعوت به توحید و خداشناسی، مردم را از رذایل اخلاقی نهی فرمود و به ارزش‌های فطري و انساني که در سرشتستان به وديعه نهاده شده است متوجه

می‌ساختند و فرمودند: «الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ كَفَاعِلِهِ». (رسول اعظم، ۱۳۸۵، صص: ۸۰-۷۹)

به اعتقاد، رسول اکرم، صیانت نفس اولین گام در خودسازی است که می‌فرمایند: «الخَيْرُ كَلَّهُ صِيَانَةُ الْإِنْسَانِ نَفْسُهُ» (شُعبِطُ الْحَرَانِی، ۱۳۷۳، ص: ۲۸۵) زیرا حادثه‌ی بدی که در جامعه رخ دهد بر همه‌ی مردم آن جامعه اثر می‌گذارد. هر گناه فردی پیامدهایی دارد که همه‌ی افراد جامعه را در بر خواهد گرفت، زیرا ظاهر به گناه هم چون عمل کسی که در کشتی است و می‌خواهد در کابین خود سوراخی ایجاد کند که اگر از آن جلوگیری نشود سرانجام جان دیگران را نیز به خطر خواهد انداخت. اگر اولین ستمگر مكافات شود بعد از اجرای عدالت، دیگر رهبر ستمگری پیدا نخواهد شد که مردم از او پیروی کنند... و هر که بتواند ستمگری را سرزنش کند و نکند چنان است که خود ظلم کرده باشد. (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص: ۳۵۹) دیانت اسلام، به دنبال تأسیس جامعه‌ای است که در آن انسان‌ها خواه فردی و خواه گروهی، دستور دهنده به امر کننده به معروف و باز دارنده‌ی از منکر باشند که این روش باعث تغییرات مطلوبی در شخصیت افراد می‌شود و آنان را وامی دارد تا ارزش‌های معنوی را ارج نهند که پویایی اسلام مرهون امر به معروف و نهی از منکر است. (بوازار، ۱۳۸۵، صص: ۸۱-۸۰).

به همین دلیل افراد خود را باید تغییر دهنند و در اعمال و رفتار خویش تجدید نظر کنند و رابطه‌ی مستقیمی بین اصلاح فرد و جامعه وجود دارد که خداوند در کلام وحی می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُعِيرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُعِيِّرَ وَآمَّا بِأَنفُسِهِمْ». (الرعد/۱۳) امر به معروف و نهی از منکر باعث احیاء جامعه می‌شود که مولای متقيان این فریضه را برتر از جهاد می‌داند زیرا معتقدند که جهاد واقعه‌ای است که گاهی پیش می‌آید ولی امر به معروف و نهی از منکر همواره در جامعه تأثیر گذارتر است. (حضرت علی، ۱۳۷۴، صص: ۱۲۶۳-۱۲۶۴)

انسان آگاه و مؤمن را گریزی از امر و نهی نیست که رسول خدا می‌فرماید: ای علی

با دستت امر به معروف و نهی از منکر کن و اگر نتوانستی با زبانت و اگر نتوانستی با قلب خود و گرنه خود راسرزنش نکن. (طبرسی، ۱۳۵۴، ج ۱۲، ص ۱۹۲) قیام روز عاشورا دفاع از ارزش‌های معروف و انجار از ضد ارزش‌ها و منکرات است. امام حسین می‌فرمایند: «من نه از روی خودخواهی و نه برای خوشگذرانی و نه برای فساد و ستمگری از مدينه خارج می‌گردم، بلکه هدف من از این سفر امر به معروف و نهی از منکر، اصلاح مفاسد امت، احیا و زنده کردن سنت و قانون جدّ رسول خدا (ص) و راه و رسم پدرم علی بن ابی طالب است». (نجمی، ۱۳۷۷، ص ۲۸) نهضت حسینی سمبیل امر به معروف و نهی از منکر است که اهل بیت آن حضرت، ادامه دهنده راه مقدس ایشان شدند. برادر بزرگوارش در مقابل تهاجم شیاطین و مجسمه‌های کفر و نفاق، که تظاهر به مسلمانی، می‌کردند فریاد بر آورد که:

«وَاللهُ أَنْ قَطَعْتُمْ يَمِينِي إِنِّي أَحَامِي أَبِدًا عَنِ دِينِي

وَعَنْ إِمَامٍ صَادِقِ الْيَقِينِ نَجَلَ النَّبِيِّ الطَّاهِرِ الْأَمِينِ»

(۲۳۶-۲۳۵ همان، صص)

در روایاتی از امام محمد باقر(ع) فرمود: «وَيُلِّقُ قَوْمٌ لَا يُدِينُونَ اللَّهَ بِالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهِيِّ عَنِ الْمُنْكَرِ». (الحرّ العاملي، بی تا، ج ۱۱، ص ۳۹۳) با وجود این تحذیرات اگر شخص گناهکار، از عمل خوبیش دست کشیده باشد و ابراز ندامت کند و توبه کرده باشد و جوب امر به معروف و نهی از منکر ساقط، بلکه مبادرت به آن حرام می‌باشد.

نگرش حکیم سنایی از جامعه‌ی خویش: سنایی، در بیشتر قصاید خویش، نماینده‌ی برجسته‌ی اشعار اجتماعی، سیاسی، اخلاقی، دینی، عرفانی و زاهدانه است. است که به نقد علمای دین، زاهدان ریایی، نقد حال صوفیان دکاندار، بازاریان حبّه دزد، پادشاهان و وزیران ستمگر و... پرداخته است و با بی‌پرواپی تمام، جامعه نابسامان

و از هم گسیخته‌ی اسیر حلق و شهوت را به تصویر می‌کشد و می‌فرماید:

یکی زین چاه ظلمانی بروند شو، تاجهان بینی  
چوکیوان، در زمان خود را به هفتمن آسمان بینی  
(سنایی، ۱۳۶۲: ۷۰۶)

از سر بی حرمتی معروف منکر کرده‌اند  
چشم عبرت کور و گوش زیر کی کر کرده‌اند  
زان که اهل فسق از هر گوش سر بر کرده‌اند  
مرکز درگاه را؛ سد سکندر کرده‌اند  
(همان: ۱۴۸)

یکی از مضامین عمدۀ ادبیات، اندیشه‌های زهدانه است. که بر گرفته از سنت  
زهد اسلامی است در این زمینه، نخستین امتیاز سنایی بر دیگر کسانی که به شعر  
 Zahedanه پرداخته‌اند، اسلوب ادای مقصود است و دیگر شجاعت بیش از حد و اندازه‌ی  
 او در ترکیب این زهد با هجوم بر نهادهای حاکم اجتماعی. زیرا زهد شاعران دیگر  
 بجز ناصر خسرو، زهدی منفی و ستم پذیر است در حالی که زهد سنایی مثبت و  
 ستیزندۀ و توأم با امر و نهی می‌باشد که محور اشعار او را در بر می‌گیرد.

در رمضان و رجب، مال یتیمان خوری روزه به مال یتیم، مار بود در سله  
 مال یتیمان خوری، پس چله داری کنی راه مزن بر یتیم، دست بدراز چله  
(همان: ۵۹۳-۴)

«إِنَّ الَّذِينَ يَأْكَلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظَلَمًا إِنَّمَا يَأْكَلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًاٰ وَ سَيِّصلُونَ سَعِيرًاً» (النساء / ۱۰)

سنایی، اشارات لطیف و عمیقی به علل انحطاط جامعه دارد و گاه، به مدعیان  
 هرزه‌گو و طماع، خرده می‌گیرد که فقط دل خوش به گفتارند و در معنی و گهر عدل

را در پای خوک سیرتان به ظاهر انسان نما، نثار می‌کند و به خاطر برق سکه‌ای،  
ناالهان را با القاب زیبا می‌ستایند و فضل و ادب را به بهای گرده‌نانی می‌فروشند و با  
ناله‌ای طاقت فرسا و دریغا گو، به دنبال گم گشته‌ی همیشگی جهان بشریت می‌گردد:  
هم عنان شوخ چشمی درجهان آمال ماند کرد رفت از مردمان اندر جهان اقوال ماند  
از فصیحان و ظریفان پاک شد روی زمین  
در جهان مشتی بخیل کور و کرولال ماند صدرها از عالمان و منصفان یکسر تهیست  
صدر در دست بخیل و ظالم و بطالم ماند عدل گم گشت ونمی باید کسی از او نشان  
ظلم جای اوی گرفت و چند ماه و سال ماند یک گره راجان‌ها در غیبت و وزر و بزه  
یک گره را گنج‌ها بر طاعت و اهمال ماند (همان: ۱۴۶-۷)

گاه با بیانی تند و کوبنده، به انتقاد از بازاریان کم فروش، ترازووهای نامیزان، غارتگری  
بزازان و مردم دیوسر شت، که چون ملاٹک خود را آراسته‌اند و به رواج بی‌عدالتی‌ها،  
در جامعه دامن می‌زنند، پرداخته است:

سعی کنی وقت بیع تا چنهی چون بری بازندانی ز شرع صومعه از مزبله  
درذ به شمشیر تیز، گر بزند کاروان بر دردکان زند، خواجه به زخم پله  
(همان: ۵۹۳)

به طور کلی سنای تنهای، خودسازی فردی را کافی نمی‌داند بلکه مقابله با بی‌خردان  
وجاهان به ظاهر جویای دین و شریعت که عَلَم شناخت اسرار قرآن و سنت را؛  
متظاهرانه بر دوش می‌کشند سر ستیز دارد. هم چنین رنج همیشگی وی، به خاطر از  
هم فروپاشیدگی شالوده اجتماعی است که فساد و ضد ارزش‌های بر جان و روح  
جامعه چنگ و دندان تیز کرده و آسیب می‌رساند.

با فرشته صلح کردی‌ای رفیق مدّعی پس به دارالملک دین بااهرمن پیکار کو  
(همان: ۵۷۷)

## بازتاب امر به معروف در دیوان سنایی

ایمان به خدا، پذیرفتن دین اسلام، اطاعت از فرمان‌های الهی و رسول خدا، مهر به رسول و خاندانش، توکل:

شهادت گفتن آن باشد که هم از اول در آشامی همه دریای هستی را بدان حرف نهنگ آسا  
نیابی خارو خاشاکی در این ره چون به فراشی کمربست و به فرق استاد در حرف شهادت لا  
(همان: ۵۲)

«اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَقُّ الْقَيُّومُ...» (البقره / ۲۵۵)

ناصرخسرو معتقد است که «لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ» گفتن از سرصدق و اخلاص جوشنی نفوذ ناپذیر در مقابل تمام حوادث بد و شوم است و می‌فرماید:

چ— و گفت که لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ نایدش ب— روی هیچ دشواری (ناصرخسرو، ۱۳۸۴: ۳۵۱)

\*\*\*\*

مهر رسول مرسلا و مهر علی وال بر دل گمار و گیر به جنات ساکنی (سنایی، ۱۳۶۲: ۷۰۱)

«قُلْ إِنْ كُثُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحِبِّكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرُ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ.» (آل عمران / ۳۱)

«أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ لِلْجَنَّةِ أَهْلًا خَلَقَهُمْ...» (رک: فروزانفر، ۱۳۷۰: ۱۱۴)

به راه انبیا باید ترا رفتن اگر خواهی که علم انبیا دانی و سر اولیا یابی (سنایی، ۱۳۶۲: ۶۱۵)

«قُلْ هَذِهِ سَبَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ بَصِيرَهُ أَنَا وَمَنْ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهُ...». (یوسف / ۱۰۸)

\*\*\*\*

مبازه با نفس امّاره، طلب عفو و مغفرت از اعتقادات قلبی سنایی سرچشمه می‌گیرد زیرا بر این باور است که قالب انسانی از اسفل سافلین و روح او از اعلی

علیّین است، که در بدرقه‌ی نفخه‌ی خاص سیر می‌کند. در این راه رهزن دل آدمی بسیار است پس با مقراض لا و با سپر توبه از خود باید محافظت کنیم و به مبارزه با نفس بپردازیم:

گر تو خواهی نفس خود را مستمند خود کنی در کمند عشق «بسم الله» کمین باید نهاد (سنایی، ۱۳۶۲: ۱۰۸)

نفس اماره است ولو امه است و دیگر ملهمه مطمئنه باشه دشمن در یکی پیراهن است (همان: ۸۴)

«إِنَّ النَّفْسَ لَا مَارِءٌ بِالسَّوْءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبُّهُ ...» (یوسف/۵۳)

«يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَةُ ارْجِعِي إِلَى زَيْكِ رِاضِيَةً مَرْضِيَّةً .» (الفجر/۲۷-۲۸)

نفس ما خصمی عظیم اندر نهاد راه ماست غزواکبر باشد در روی خنجر کشیم (سنایی، ۱۳۶۲: ۹۵۶)

نفس را مرکب مساز و با مراد او مرو هم چو خردرگل بماندگرچه اصلش تو سنت (همان: ۸۴)

اشاره‌ای به این حدیث دارد: «أَعْدَى عَدُوِّكَ نَفْسُكَ الَّتِي بَيْنَ جَنِينِكَ» (رک احادیث

مثنوی ص ۹)

مجاهد با نفس جهاد اکبر است چنان که پیامبر فرمود: «المجاهد من جاهد نفسه فی الله» (سیوطی، بی تا، ج ۱، ص ۱۱۳)

\*\*\*\*\*

ما غرقه‌ی عصیانیم، بخشندۀ توبی یارب از عفو نهی تاجی، بر تارک عصیان ها (سنایی، ۱۳۶۲: ۱۸)

چون زراه گلبن «توبو الی الله» آمدی پای بر فرق «اتینا طائعين» باید نهاد (همان: ۱۰۷)

«إِنَّمَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ يَرْجُوهَا ...» (سیوطی، بی تا، ج ۱، ص ۱۰۳)

« يَا آيُهَا الَّذِينَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا ...» (التحریر / ۸ ورک: البقره/ ۱۹۹)

\*\*\*\*\*

تو خود از خویش کی رسی به خدای  
که ترا خود ز خود جدایی نیست  
چون به جایی رسی که جز تو شوی  
بعد از آن جز ز خدایی نیست  
(سنایی، ۱۳۶۲: ۹۹)

﴿أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهًا هَوَاهُ أَفَإِنَّتْ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا﴾. (فرقان / ۴۳ ورک جاییه/ ۲۲)

\*\*\*\*\*

شو بخوان التائبون العابدون الحامدون السابحون الراكعون الساجدون الأمرتون  
(سنایی، ۱۳۶۲: ۵۳۶)

« إِنَّ اللَّهَ اشترى مِنِ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِإِنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ ... التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ  
الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ  
وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشَّرَ الْمُؤْمِنِينَ.» (توبه ۱۱۲-۱۱۱)

\*\*\*\*\*

جایگه حور و حریرت باید اندر تارشب از دوچشم خویشن در شمین باید نهاد  
(سنایی، ۱۳۶۲: ۱۰۸)

«وَمِنَ الْيَلِ فَتَهَجَّدَ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَن يَعْثُكَ رَبِّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا». (اسراء/ ۷۹)  
سنایی، رفتار و خصوصیاتی چون «درستکاری، صدق، تواضع، حلم و خرسندی،  
صبر بر مصائب، کتمان سر و قناعت» را، (گرچه از اعمال فردی است ولی نتایج  
اجتماعی رانیز در بر دارد) با لحنی خطابی توأم با امر و نهی، به همگان توصیه می‌کند.  
راستکاری پیشه کن کاندر مصاف رستخیز نیستند از خشم حق جز راست کاران رستگار  
(سنایی، ۱۳۶۲: ۱۸۸)

مگر گردی چو جان و عقل، هم والی و هم والا  
تواز خاکی بسان خاک، تن درده، درین پستی  
(همان: ۵۴)

ایوب با چندین بلا، کاندر بلاشد مبتلا پیوسته این بودش دعا الصبر مفتاح الفرج  
(همان: ۸۳۶)

«قالَ اللَّهُ هذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ  
فِيهَا أَبْدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ.» (مائده / ۱۱۹)

«...وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ». (آل عمران / ۱۴۶). در رساله‌ی قشیریه آمده «مَنْ لَا صَبَرَ  
لُهُ لَا يَمَانَ لُهُ» (قشیری، ۱۳۶۱، ص ۸۵)

با قناعت صلح جوید محروم حرمت شود برگ بی برگی به فرق زهره و پروین کشد  
(سنایی، ۱۳۶۲: ۱۳۸)

«وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَى عَنْقَكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَحْسُورًا.»  
(اسراء / ۲۹)

\*\*\*\*\*

ملک دنیا مـجوی و حکمت جوی زان که ای——ن اندکست و آن بسیار  
(سنایی، ۱۳۶۲: ۲۰۴)

طلب علم: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيْضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ». (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۳۰)

نيکی و سخاوت کن و مشمر که چو ایزد پاداش ده و مفضل و نیکو شمری نیست  
(سنایی، ۱۳۶۲: ۱۰۰)

إِنَّا كَذَلِكَ نَجِزِي الْمُحْسِنِينَ... إِذَا جَاءَ رَبُّهُ بِقُلْبٍ سَلِيمٍ.» (صافات / ۸۰-۸۴)

\*\*\*\*\*

مادری کن مریتمان را پرورشان به لطف خواجه‌گی کن سایلان را طبعشان گردان وفا  
(سنایی، ۱۳۶۲: ۳۶)

«وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ.» (ضحی / ۱۰) و «أَلَمْ يَجِدْ كَيْتَمِاً فَآوِي. فَأَمَّا الْيَتَمْ فَلَا تَقْهَرْ.»  
(ضحی / ۶ و ۹)

تکیه بر شرع محمد کن و بر قرآن کن  
زان کجا عروه‌ی و ثقای تو جز قرآن نیست  
(سنایی، ۱۳۶۲: ۹۸)

«...فَمَن يَكْفُرُ بِالظَّاغُونَ وَيَؤْمِنُ بِاللَّهِ فَقَدْ أَسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوَתْقِيِّ لَا نِصْاصَ لَهَا ...»  
(بقره/ ۲۵۶)

## جهاد

«الجهاد أربع: الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر والصدق في مواطن الصبر وشنان الفاسق.» (جهاد بر چهار نوع است: فرمان به کار خوب و نهی از کار بد و راستی در موقع صبر (سختی و فشار باعث دروغ نشود) و انزجار از شخص فاسق.)(رسول اعظم، ۱۳۸۵، ص: ۸۰)

جعفر طیار:—اید تا به علیین پرد  
حیدرکار باید تا زدشمن کین کشد  
(سنایی، ۱۳۶۲: ۱۳۸)

جاآن و تن ودل باخته بر نطع ارادت  
ناکرده برین باخت زنایافت زمانی  
(همان: ۶۸۷)

«إِنَّ اللَّهَ اشترى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ..»  
(توبه/ ۱۱۱)

خشکاندن ریشه‌های فساد: اگر این امر عملی شود دیگر منکری وجود نخواهد داشت و یا بیش از حد کاهش می‌یابد. از بین بردن فقر، فساد جنسی، بیکاری، اصلاح عقاید و... می‌توان در اصلاح جامعه مؤثر واقع شود. پیامبر می‌فرمایند: «کاد الفقرُ أن يَكُونَ كُفراً». (حر العاملی، بی‌تا، ج ۱۱، ص: ۲۹۳)

\*\*\*\*\*

از خلافست این همه شرّ در نهاد بوالبشر  
وزخلافست آدمی در چنگ جنگ و شورو شر  
(سنایی، ۱۳۶۲: ۲۶۲)

«الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمْرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوَصَّلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ اولئك هُمُ الْخَاسِرُونَ». (بقره/٢٧)

### منکرات در اشعار سنایی

مؤمنش خوانند جانش خوش شود      ور منافق تیز و پُر آتیش شود  
(مولوی، ۱۳۷۶، ۲۹۰/۱)

دور کن بود ریا از خود که تا آزاده وار      مسجد و میخانه رامحرم شوی چون بوریا  
(سنایی، ۱۳۶۲: ۴۴)

«...يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ». (آل عمران / ١٦٧)

\*\*\*\*\*

دین بی علم جهل است: «قال الصادق (ع): إنهاك أن تدين الله بالباطل ويفتن الناس بما لا تعلم». (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱ ص ۴۲) و (رک: المائدہ/ ۴۹ والاشقاد/ ۱۵)

عهده‌ی فتوی دین بی علم درگردن مگیر      وعده‌ی شاهی و شادی بی خرد دردل مکار  
(سنایی، ۱۳۶۲: ۲۱۶)

فتوى دهی وعلم همی گویی ولیکن      باکس ده و پنجیت نه وشور وشری نیست  
(همان: ۱۰۱)

«مَنْ أَفْتَى بِغَيْرِ عِلْمٍ كَانَ إِثْمُهُ عَلَى مَنْ أَفْتَاهُ وَمَنْ أَشَارَ عَلَى أَخِيهِ بِأَمْرٍ يَعْلَمُ أَنَّ الرَّشَدَ فِي غَيْرِهِ فَقَدْ خَانَهُ». (نهج الفصاحه، ۱۳۸۵، ص ۴۳۰)

«... يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ اوتُوا الْعِلْمَ درجات والله بما تعملون خیر». (المجادله/ ۱۱)

وای آن، علمی که از بی عقل باشد منتشر      وای آن زهدی که از بی علم یابد انتشار  
(سنایی، ۱۳۶۲: ۲۱۶)

اشاره به حدیث: «إِذَا عَلِمَ الْعَالَمُ فَلَمْ يَعْمَلْ كَانَ كَالْمُصْبَاحِ يُضِيءُ لِلنَّاسِ وَيُحرِقُ

نفسَهُ». (نهج الفصاحه، ۱۳۸۵: ۴۰۴)

«بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَمَنْ يَهْدِي مَنْ أَصَلَّ اللَّهُمَّ مَا لَهُمْ مِنْ

ناصِرٍ» (الروم ۲۹)

\*\*\*\*\*

گراز حمت همی ترسی زنا اهلان ببر صحبت که از دام زبون گیران به عزلت رسته شد عنقا  
(سنایی، ۱۳۶۲: ۵۴ و ۵۶)

به قال و قیل گمراهان مشو غرّه اگر خواهی که روزی راه روی گردی و راه و ره نما یابی  
(همان: ۶۱۵)

«وَدُوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَخَذُوا مِنْهُمْ...». (نساء / ۸۹)

سنایی بیشتر تأکید بر پرهیز از مغالطه‌ی قول و قائل دارد همچنان که امیر المؤمنین می‌فرمایند: «لَا يَعْرِفُ الْحَقُّ بِالرِّجَالِ، اعْرِفُ الْحَقَّ تَعْرِفُ أَهْلَهُ». (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۲۶/۴۰)  
مولای متقيان علی(ع) می‌فرمایند: «يَا بْنَى اِيَّاكَ وَ مَصَادِقَ الْاحْمَقِ فَانَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَنْفَعَكَ فِي ضُرُّكِ». (امیر المؤمنین، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۲۵۹)

مال دوستی و دنیا پرستی، باعث انحراف از دین می‌شود و حرص و شهوت مایه‌ی شقاوت است چنان که روایت شده: (الحرصُ والشَّرَهُ يُكَسِّانُ الشَّقَاءَ وَالذَّلَّةَ). (تمیمی آمدی، بی تا، ج ۱: ۲۳۳)

چه مانی به مرداری چوزاغان اندرین پستی قفس بشکن چو طاوسان یکی بر پر برین بالا گرامروز آتش شهوت بکشتنی بی گمان رستی و گرن‌هه تف آن آتش ترا هیزم کند فردا (سنایی، ۱۳۶۲: ۵۲)

«زُينَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهُواتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقْنَطِرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخِيلِ... ذَالِكُ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا...» (آل عمران ۱۴) و «... الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهُوَاتِ أَنْ تَمْيِلُوا مِيَالًا عَظِيمًا». (نساء / ۳۷)

\*\*\*\*\*

باد کبر از سر بنه در دل برافروز آتشی  
پس بر آن آتش بسوز آن آبگون در گاه را  
(سنایی، ۱۳۶۲: ۳۳)

«وَلَا تُصَعِّرْ خَدَكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرْحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ  
فخور.» (لقمان/۱۸)

«الافتخارُ منِ صغراً الأقدار». (تمیمی آمدی، بی تا، ج ۲، ص ۲۷۰)  
حرص گوید چون نگردی گردن خمر و زمر و قمر عقل گوید رو بخوان «قل فيهمما اثم کبیر  
(سنایی، ۱۳۶۲: ۷۲۹)

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعٌ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرٌ مِنْ  
نفعِهِما...» (بقره/۲۱۹)

طمع و حرص و بخل وشهوت و خشم سد و کبر و حقد بد پیوند  
ه فست در دوزخ بند در تن تو ساخته نفسشان در ودر بند  
(سنایی، ۱۳۶۲: ۱۵۳)

« وَ إِنَّ جَهَنَّمَ لِمَوْعِدٍ هُمْ أَ جَمَعِينَ . لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُومٌ .»  
(حجر/۴۴-۴۵)

\*\*\*\*

حقیقت بت پرستست آن که در خود هست پندرش برسست از بت پرستی چون در پندر در بند  
(سنایی، ۱۳۶۲: ۱۱۰)

«أَ رَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهًا هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تُكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا؟ . (فرقان/۴۳) و(رك: جاثیه / ۲۳)

\*\*\*\*

تادرон جوهر صفر اهمه کفر است و شیطانی گرت سودای دین باشد قدم بیرون نه از صفرا  
به خشم و شهوتی بر منبر اندر کوی دین برسداری اگر چه سوی خود بر منبری  
(سنایی، ۱۳۶۲: ۵۲ و ۶۶۲)

«...وَالْكَاذِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ .» (آل عمران

(۷) حمد ک: ورک ۱۳۴/

الشّيطان...» (رسول اعظم، ۱۳۸۵، ص ۲۴۹) خشم و غضب در احادیث، مورد نکوهش قرار گرفته است: «إِنَّ الْغُضَبَ مِنْ

10

یکچو از مهمترین محورهای اعتقادی سناپیج، دوری از شرک است:

ای س\_\_\_\_\_نائی به گرد شرک مپوی آن چ\_\_\_\_\_ه گوید مگوی عقل مگوی  
(سنایی، ۱۳۶۲، ص ۱۱۰۵)

«يَا بُنْيَ - لَا تُشْرِكُ بِاللَّهِ إِنَّ الشَّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ .» (لقمان/١٣)

10

گرت همسایه حسد ناک بود زو بگریز گرهمه زاهد و عابد بود و دانشمند (سنایپ، ۱۳۶۲: ۱۵۹)

«وَمِنْ شَرٌّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ». (فلق /٥) در احیاءالعلوم آمده: «کاد الحسدان يغلب  
القدر». (غزالی، ١٣٥٢، ج ٣: ١٢٩)

10

نهی از محرمات و رواج منکرات، دوری از خبیثات، دروغ، بی توجهی به اقشار کم درآمد، از دغدغه‌های فکری سنایی است که وی را مج‌آزارد:

در شریعت کی رو باشد دو خواهر یک نکاح در طریقت هردو را از خود میرا کردن است (سنایر، ۱۳۶۲: ۸۵)

«...وَأَن تجْمِعُوهَا بَيْنَ الْأَخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُوراً رَّحِيمًا». (نساء/٣٣)

10

«الخبيثات للخبيثين والخبيثون للخبيثات و الطيبات للطيبين والطيبون للطيبات اولئك مُبَرُّونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ كَرِيمٌ». (نور / ٢٦)

## منع رذائل اخلاقی در جامعه

که یادآور این آیه مبارکه است که: «يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئذٍ أَيْنَ الْمَفْرُّ». (القيامة / ١٠)  
«وَإِنَّ جَهَنَّمَ لِمَوْعِدٍ هُمْ أَجْمَعِينَ. لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُومٌ».  
(حج / ٤٤-٤٥)

**بخل: «...الْبَخْلُ شَجَرَةٌ مِنْ أَشْجَارِ النَّارِ أَغْصَانُهَا مَتَدَلِّيَاتٌ فِي الدُّنْيَا فَمَنْ أَخْذَ بِغُصْنٍ**  
**مِنْهَا قَادَهُ ذَلِكُ الْغُصْنُ إِلَى النَّارِ» (نهج الفصاحه، ١٣٨٥: ١٠٨)**

10

جاهلان راچاره نیست از نسبت پست و دروغ مار مارمهره جوى نادان نیست دوراز زهرمار  
(ستانيه، ۳۶۲، ۲۱۹:)

«وإذا لم يهتدوا به فسيقولون هذا أفك قدّيم». (الأحقاف/١١)  
 همچنین در غرر الحكم آمده: «الناسُ اعداءُ ما جهلوا» و «الجهلُ اصلُ كُلَّ شرّ». (تميمي أمدي، بي تا، ج ١، ص ٢٠٣ و ٢٠٢)

10

حَبَّهُ دَزْدَانُ اَزْ تَرَازُوهَا بِرَاطْرَافِ دَكَانٍ  
طَبَعَ رَا در حَبَّهُ دَزْدَيْدَنُ مَخِيرَ كَرْدَهَا نَد  
(سَنَابَرَ، ۱۳۶۲: ۱۵۰)

«وَيَلِ الْمُطَفَّفِينَ...أَلَا يَطْنُ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ...وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَبَّبُوا». (المططففون: ١-٨)

«وَيَلٌ لِّلْمُطَفَّفِينَ. وَ إِذَا كَالَّوَا هُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ.» (المطففين ۱/۳)

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تِرَاضٍ مِّنْكُمْ وَ...» (نساء ۲۹)

\*\*\*\*\*

حرام اندر کدام آئین حلالستای مسلمانان      حرامی راسلم خوانی زقسماں این قسم بینی (سنایی، ۱۳۶۲: ۷۰۳)

«قُلْ أَرَيْتَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِّنْ رِزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِّنْهُ حَرَاماً وَحَلَالاً...» (یونس ۵۹)

خانه خریدی و ملک، باع نهادی اساس      ملک ب——ه مال ربا خانه به سود غله (سنایی، ۱۳۶۲: ۵۹۳)

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَدَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرَّبِّيَا إِنْ كَتَمْتُمْ مُؤْمِنِينَ.» (البقره ۲۷۸)

يا اشاره‌ای است به حدیث: «لَعْنَ اللَّهِ أَكْلَ الرِّبَا وَمُؤْكِلُهُ وَكَاتِبُهُ وَمَانِعُ الصَّدْقَةِ.» (نهج الفصاحه، ۱۳۸۵، ص ۱۰۸)

\*\*\*\*\*

ورامروز اندرین منزل ترا جانی زیان آید      زهی سرمایه وسودا که فردا زان زیان بینی (سنایی، ۱۳۶۲: ۷۰۶)

«فَلِيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَهِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يُغْلَبْ فَسُوفَ نَؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا.» (نساء ۷۴)

\*\*\*\*\*

بفروخته دین را به یکی گرده «وکرده      پوشیده تن خویش به رنگی و عباری (سنایی، ۱۳۶۲: ۶۱۲۸)

«أَوْلَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُ الْضَّلَالَةَ بِالْهُدَى وَالْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَةِ...». (بقره / ۱۷۵)

دین به دنیا مده که هیچ همای      ندهد پر به پرنیان و پرند

دین فروشی همی که تا سازی      بارگی نقره خنک وزین زرکند (سنایی، ۱۳۶۲: ۱۵۳)

حضرت علی (ع) فرمودند: «انَ الدِّنَيَا وَالآخِرَةُ عَدْوَانِ مُتَفَاعِتَانِ وَسَبِيلَانِ مُخْتَلِفَانِ فَمَنْ أَحَبَ الدِّنَيَا وَتَوَلَّهُ هَمَا بِعْضُ الْآخِرَةِ وَعَادَاهُمَا وَهُمَا بِمُنْزَلَةِ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا شَاءَ بَيْنَهَا كُلُّمَا قَرَبَ مِنْ وَاحِدٍ بَعْدِ مِنَ الْآخِرِ وَهُمَا بَعْدِ ضَرَّتَانِ». (امیراًمُؤْمِنِین، ۱۳۷۴: ۲۸۶)

### نتیجه

سنایی، در بیشتر اشعارش، نماینده‌ی برجسته‌ی اشعار اجتماعی، سیاسی، اخلاقی، دینی، عرفانی و زاهدانه است که به نقد اوضاع زمانه‌ی خود، پرداخته و با بی‌پروایی تمام، نابسامانی و از هم گسیختگی جامعه را در قالب امر و نهی به تصویر کشیده است. این حکیم فرزانه، رفتار و خصوصیاتی چون «درستکاری، صدق، تواضع، حلم و خرسندي، صبر بر مصائب، کتمان سر و قناعت و...» را، با لحنی خطابی توأم با امر، به همگان توصیه می‌کند. مبارزه با نفس امّاره، طلب عفو و مغفرت از اعتقادات قلبی و موضوع‌های محوری دیوان اوست، که مردم را به سیر و سلوک روحانی فرا می‌خواند. اخلاص، پیروی از اهل تقو، رهایی از خودپرستی، خواندن نماز، در بینش سنایی، هم چون دیگر بزرگان و عارفان از تکالیف فردی است که در بردارنده‌ی نتایج اجتماعی است. نهی از محرمات، دوری از ریا، دروغ، بی‌توجهی به اشار کم درآمد، تحت تأثیر لابه و یاوه خاص و عام قرار نگرفتن و... از دغدغه‌های فکری سنایی است که وی را می‌آزاد. دو فرضیه امر به معروف و نهی از منکر را، نه تنها غایت دین می‌داند بلکه در بینش او، اساس یک حکومت پایدار و مردمی است و حتی برتر و فراتر از جهاد است. همچون قرآن کریم، روایات و نهج البلاعه ترک امر به معروف و نهی از منکر را علت اصلی انحطاط امت‌ها به حساب می‌آورد زیرا معتقد است که با ترک این فرامین الهی، آثار زیانباری، جامعه را فرا خواهد گرفت. برای تحقق معروف و محظوظ، بستر سازی و التزام عملی را بسیار مهم و حیاتی تلقی می‌کنند. در نظر سنایی، عاجزترین

فرد، کسی است که از اصلاح نفس خود درمانده و ناتوان باشد. این گونه نظارت‌ها را همگانی قلمداد می‌کند و محلود به قشر خاصی نمی‌داند. ادبیات یکی از ابزار مهم، برای اشاعه‌ی امر به معروف و نهی از منکر است و در این راستا باید شیوه‌ی عملی و تبلیغی را در پیش گرفت، توأم با احترام، رعایت شخصیت افراد، ارشاد، نرمخوبی، معرفی ارزش‌ها، تکرار و تلقین، با بهره‌گیری از هنر، شعر، طنز، حکمت، موعظه، بزرگ نمایی الگوهای مثبت موفق و ایجاد فضای مناسب برای این فرامین الهی. زیرا هدف اصلی از امر به معروف و نهی از منکر، تحقق معروفات و از بین رفتمندیات است. امر کننده به معروف و نهی کننده از منکر باید، خود عامل معروف و اجتناب کننده از منکر باشد تا لاجرم آن چه از دل بر آید بر دل نشیند.

### بسامد اثر پذیری قرآنی در دیوان حکیم سنایی

ردیف	اثر پذیری	تعداد	مجموع	درصد
۱	واژگانی	۲۳۰	۱۱۲۵	۱۸/۰۴
۲	اقتباس	۱۱۸	۱۱۲۵	۱۰/۸۴
۳	حل	۳۲	۱۱۲۵	۲/۴۸
۴	ترجمه	۲۰۲	۱۱۲۵	۱۷/۰۹
۵	تفسیر	۷۹	۱۱۲۵	۷/۰۲
۶	تلمیح	۱۴۷	۱۱۲۵	۱۳/۰۶
۷	تطبیقی	۹۷	۱۱۲۵	۸/۶۲
۸	تصویری	۱۰۹	۱۱۲۵	۹/۶۸
۹	درج	۷	۱۱۲۵	۰/۶۲
۱۰	چندسویه	۵۹	۱۱۲۵	۵/۲۴
۱۱	تأویلی	۶۷	۱۱۲۵	۵/۹۵
۱۲	تضمین	۵	۱۱۲۵	۰/۴۴

## منابع

- ۱- قرآن کریم، (۱۳۷۸)، ترجمه از بهاءالدین خرمشاهی، تهران، دوستان، چ سوم.
- ۲- نهج الفصاحه، کلمات قصار رسول اکرم، (۱۳۸۵)، تصحیح و ترجمه علی اکبرمیرزاپی، قم، انتشارات عصر جوان، چ اول.
- ۳- امیر المؤمنین (ع)، (۱۳۷۴)، ترجمه و شرح نهج البلاغه، به قلم فیض الاسلام، تهران، انتشارات فقیه.
- ۴- احادیث مثنوی، (۱۳۷۰)، جمع و تدوین بدیع الزمان فروزانفر، تهران، امیر کبیر، چ پنجم.
- ۵- تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد، (۱۳۶۶)، غرر الحكم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، چاپ اول.
- ۶- ثعالبی، ابو منصور عبدالملک بن محمد بن اسماعیل، (۱۹۶۱ م)، التمثیل والمحاضرة، به تحقیق عبدالفتاح محمد الحاو، قاهره، احیاء الکتب العربیه.
- ۷- راغب الاصفهانی، ابو القاسم الحسین، (۱۳۶۲)، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق محمد سید گیلانی، بی جا، ناشر کتابفروشی مرتضوی، چ دوم.
- ۸- بوazar، مارسل، (۱۳۸۵)، اسلام و حقوق بشر، تهران، انتشارات بینا.
- ۹- حرانی، حسین بن شعبه، (۱۳۷۳)، تحف العقول، ترجمه غفاری، علی اکبر، تهران، دریا، چ پنجم.
- ۱۰- حرعاملی، محمد بن الحسن، (بی تا)، وسائل الشیعه، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت چ دوم.
- ۱۱- امام خمینی، روح الله، (۱۳۷۱)، رساله نوین سیاسی حقوقی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ چهارم.
- ۱۲- رازی، شیخ نجم الدین (۱۳۶۹)، مرصاد العباد الی المعاد، به اهتمام شمس العرفاء، تهران، انتشارات کتابخانه سنایی، چ سوم.
- ۱۳- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدهود بن آدم، (۱۳۶۲)، به اهتمام مدرس رضوی، تهران، انتشارات کتابخانه سنایی.
- ۱۴- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدهود بن آدم، (۱۳۸۳)، حدیقه الحقيقة و شریعة الطريقة، به

تصحیح مدرّس رضوی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ ششم.

- ١٥- سيوطي، جمال الدين عبدالرحمن بن ابي بكر، (بى تا)، جامع الصغير فى احاديث البشير النذير، لبنان - بيروت، دار الفكر .

١٦- الطبرسى، ابو على الفضل بن الحسن، (١٣٥٠)، ترجمه تفسير مجمع البيان، باترجمة دكترمحمد مفتح، انتشارات فراهانى، چ اول .

١٧- الطبرسى، ميرزا حسين بن محمد تقى نورى، (١٤٠٨)، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، بيروت، چاپ دوم. بى جا، انتشارات فراهانى، ١٣٥٤ .

١٨- الطوسي، محمد بن حسن، (١٤٠٤ هـ)، الرسائل العشر، جامعه مدرسین قم .

١٩- غزالی، ابو حامد محمد، (١٣٥١)، احیاء العلوم، ترجمه مؤید الدين و به اهتمام حسين خدیو جم تهران، بنیاد فرهنگ ایران.

٢٠- قییه دینوری، ابو محمد عبدالله بن مسلم، (١٩٧٣)، عيون الاخبار، مجلد الهیئت المصری العامة الكتاب.

٢١- قربانی لاهیجی، (١٣٧٩)، فریضه امر به معروف ونهی از منکر از دیدگاه قرآن و سنت، بی جا، نشر سایه .

٢٢- قریشی، سید علی اکبر، (١٣٦٧)، قاموس قرآن، تهران، دارالكتب اسلامی، چ دهم .

٢٣- الكلینی الرازی، ابو جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، (١٣٦٧)، اصول کافی، ترجمه و شرح سید جواد مصطفوی، تهران، دارالكتب اسلامیه.

٢٤- الكاشانی، ملافتح الله، (١٣٣٣) «تفسیر کبیر» منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، انتشارات چاپخانه محمد حسن علمی.

٢٥- گوهرين، (١٣٨٠)، اصطلاحات عرفانی، تهران، نشرزوار، چ اول .

٢٦- المصری، ابوالفضل جمال الدين محمد بن مكرم بن منظور، (١٤٠٨هـ.ق)، لسان العرب، بيروت، دارالصادر.

٢٧- (المصری)، عبدالباقي، محمد فؤاد، (١٣٧٢)، المعجم المفهرس للفاظ القرآن الكريم،

- ۱۰- انتشارات اسلامی تهران، چ اول .
- ۱۱- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۵)، ده گفتار، انتشارات صدرا، چ پنجم .
- ۱۲- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۵)، تفسیر نمونه، تهران، دارالكتب اسلامیه، تهران، چ بیست و چهارم .
- ۱۳- مولوی محمد بن محمد بن الحسین البخاری، (۱۳۷۶) مثنوی، به تصحیح رینولد الین نیکللسون، تهران، انتشارات بهزاد، چ نهم .
- ۱۴- ناصر خسرو، (۱۳۸۴) دیوان اشعار، تصحیح مجتبی مینوی، مهدی محقق، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ ششم .
- ۱۵- نجمی، محمد صادق، (۱۳۷۷)، سخنان حسین بن علی(ع) از مدینه تا کربلا، قم، انتشارات اسلامی چ ششم .
- ۱۶- هوازن قشیری، عبدالکریم، (۱۳۶۱)، ترجمه‌ی رساله قشیریه، ترجمه ابوعلی حسن بن احمد عثمانی، تحقیق بدیع الزمان فروزانفر، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی .
- ۱۷- هجویری، علی، (۱۳۷۱)، کشف المحجوب، تصحیح ژوفسکی، مقدمه دکتر غنی، تهران، کتابخانه طهوری، چ دوم .

پردیس  
دانشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتوال جامع علوم انسانی